

سلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه روانشناسی

عنوان:

بررسی ارتباط بین معدل دیپلم، رتبه کنکور سراسری دانشگاه ها و
پیشرفت تحصیلی دانشجویان در دانشگاه گیلان

از:

(گرامه ثاقبی سعیدی)

استاد راهنما:

دکتر سید ولی الله موسوی

استاد مشاور:

دکتر ایرج شاکری نیا

(اسفند ۱۳۸۹)

تشکر و قدر دانی

اکنون که با استعانت از پروردگار متعال نگارش این پژوهش به انجام رسید، وظیفه شاگردی خود می دانم که از زحمات بی دریغ استاد راهنمای گرانقدر و فرهیخته ام جناب آقای دکتر موسوی که با رهنمود های اندیشمندانه خویش و سعی وافر مرا در انجام این پژوهش هدایت و راهنمایی کردند صمیمانه تشکر نمایم .

همچنین از تلاش های ارزشمند جناب آقای دکتر شاکری نیا، استاد مشاور گرامی که در انجام این پژوهش از رهنمودهای مفید ایشان بهره مند بودم کمال تشکر را دارم .

از الطاف و همکاری های جناب آقای دکتر بانی مدیریت محترم آموزش دانشگاه و سرکار خانم مهندس کاویانفر کارشناس محترم واحد رایانه آموزش که اطلاعات لازم را در مورد پرونده تحصیلی دانشجویان در اختیار اینجانب قرار دادند، قدردانی می کنم .

تقدیم به:

پدر ادیب و گرانمایه ام

مادر عزیز و مهربانم

همسر خوب و گرانقدرم

و

فرزندان دلبندم "واسع و وحا"

خ	چکیده فارسی
د	چکیده انگلیسی
۱	فصل یک: طرح مسئله
۲	مقدمه
۲	۱-۱ بیان مسئله
۵	۲-۱ ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش
۵	۳-۱ اهداف پژوهش
۶	۴-۱ سؤال های پژوهش
۶	۱-۴-۱ سؤال های اصلی پژوهش
۶	۲-۴-۱ سؤال های فرعی پژوهش
۷	۵-۱ متغیرهای پژوهش و تعاریف نظری و عملیاتی آن ها
۷	۱-۵-۱ متغیرهای پیش بین
۷	۲-۵-۱ متغیر ملاک
۸	۳-۵-۱ متغیرهای جمعیت شناختی و زمینه ای
۹	فصل دو: مبانی نظری و پیشینه پژوهش
۱۱	۱-۲ مروری بر شیوه های گزینش دانشجو
۱۵	۲-۲ مخالفین و موافقین کنکور
۱۸	۳-۲ مبانی نظری پیشرفت
۱۹	۱-۳-۲ انگیزش و پیشرفت
۱۹	۲-۳-۲ برنامه های آموزش انگیزش پیشرفت
۲۰	۳-۳-۲ سبک های پیشرفت
۲۰	۱-۳-۳-۲ سبک پیشرفت مستقیم
۲۱	۲-۳-۳-۲ سبک پیشرفت ارتباطی
۲۱	۲-۳-۳-۲ سبک پیشرفت وسیله ای
۲۲	۴-۲ مروری بر ادبیات پژوهش
۲۲	۱-۴-۲ هوش و پیشرفت تحصیلی
۲۲	۲-۴-۲ هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی
۲۳	۳-۴-۲ عزت نفس و پیشرفت تحصیلی
۲۳	۴-۴-۲ اسنادهای علیت و پیشرفت تحصیلی
۲۴	۵-۴-۲ پیشرفت تحصیلی و انتظار موفقیت
۲۵	۶-۴-۲ پیشرفت تحصیلی و خودکارآمدی
۲۶	۷-۴-۲ خودکارآمدی معلم

۲۶	۸-۴-۲ پیشرفت تحصیلی و تنیدگی
۲۷	۹-۴-۲ پیشرفت تحصیلی و پنج عامل بزرگ شخصیت
۲۸	۱۰-۴-۲ پیشرفت تحصیلی و هویت
۲۹	۱۱-۴-۲ پیشرفت تحصیلی و انگیزش پیشرفت
۲۹	۱۲-۴-۲ پیشرفت تحصیلی و متغیرهای شخصی
۳۱	۱۳-۴-۲ پیشرفت تحصیلی و ویژگی های خانواده
۳۲	۱۴-۴-۲ پیشرفت تحصیلی، معلم و همسالان
۳۲	۱۵-۴-۲ پیشرفت تحصیلی و طبقه اجتماعی
۳۳	۱۶-۴-۲ پیشرفت تحصیلی و سبک های یادگیری
۳۳	۱-۵-۲ نتایج پژوهش های خارجی
۳۶	۲-۵-۲ نتایج پژوهش های داخلی
۴۰	۶-۲ خلاصه فصل

۴۲ فصل سه: روش پژوهش

۴۳	۱-۳ طرح پژوهش
۴۳	۲-۳ جامعه، نمونه و روش نمونه گیری
۴۴	۳-۳ نحوه گردآوری اطلاعات
۴۴	۴-۳ روش آماری تحلیل داده ها

۴۵ فصل چهار: نتایج پژوهش

۴۶	۱-۴ نتایج توصیفی
۴۸	۲-۴ تحلیل داده ها در چهارچوب سوال های پژوهش
۴۸	۱-۲-۴ سؤال های اصلی
۴۸	۲-۲-۴ سؤال یک
۵۰	۳-۲-۴ سؤال دو
۵۲	۴-۲-۴ سؤال سه
۵۵	۵-۲-۴ سؤال چهار
۶۱	۶-۲-۴ سؤال های فرعی پژوهش
۶۱	۷-۲-۴ سؤال فرعی یک
۶۲	۸-۲-۴ سؤال فرعی دو
۶۲	۳-۴ خلاصه فصل

۶۴ فصل پنج: بحث و نتیجه گیری

۶۵	۱-۵ بحث و بررسی نتایج پژوهش
۶۵	۱-۱-۵ سؤال های اصلی
۷۰	۲-۱-۵ سؤال های فرعی

۷۱
۷۲
۷۲
۷۴

۲-۵ نتیجه گیری
۳-۵ محدودیت های پژوهش
۴-۵ پیشنهادهای پژوهش
منابع فارسی و انگلیسی

فهرست جداول

شماره جدول	صفحه
جدول ۳-۱	۴۳
جدول ۴-۱	۴۶
جدول ۴-۲	۴۶
جدول ۴-۳	۴۷
جدول ۴-۴	۴۷
جدول ۴-۵	۴۸
جدول ۴-۶	۴۹
جدول ۴-۷	۵۰
جدول ۴-۸	۵۱
جدول ۴-۹	۵۲
جدول ۴-۱۰	۵۴
جدول ۴-۱۱	۵۵
جدول ۴-۱۲	۵۶
جدول ۴-۱۳	۵۶
جدول ۴-۱۴	۵۷
جدول ۴-۱۵	۵۸
جدول ۴-۱۶	۵۹
جدول ۴-۱۷	۶۱
جدول ۴-۱۸	۶۲

تحصیلی

عنوان: بررسی ارتباط بین معدل دیپلم، رتبه کنکور سراسری دانشگاه ها و پیشرفت تحصیلی

دانشجویان در دانشگاه گیلان

نام دانشجو: کرامه ثاقبی سعیدی

چکیده: هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین معدل دیپلم، رتبه کنکور و پیشرفت تحصیلی دانشجویان در دانشگاه گیلان می باشد. افراد مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۳۰۵۲ نفر (۱۸۵۸ زن و ۱۱۹۴ مرد) می باشند که در طی سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ وارد این دانشگاه شده اند. با بررسی پرونده دانشجویان در واحد رایانه آموزش دانشگاه، داده های پژوهش (جنسیت، دوره های تحصیلی، معدل دیپلم، رتبه کنکور، معدل کل تحصیل در دانشگاه و سهمیه ورودی دانشجویان) استخراج و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل آماری نشان داد بین معدل کل دانشجویان در دانشگاه (به عنوان متغیر ملاک) با رتبه کنکور سراسری و معدل دیپلم (به عنوان متغیرهای پیش بین) در سطح ۹۹ درصد اطمینان ارتباط مثبت و معنی دار وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در دانشکده های دانشگاه گیلان بیانگر این مطلب بود که در دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده منابع طبیعی، رتبه کنکور و در دانشکده های تربیت بدنی، علوم پایه و معماری معدل دیپلم از قدرت پیش بینی بالاتری برخوردار می باشد. در دو دانشکده فنی مهندسی و کشاورزی هر دو متغیر معدل دیپلم و رتبه کنکور قادر به پیش بینی پیشرفت تحصیلی در دانشگاه می باشند که در دانشکده فنی مهندسی معدل دیپلم و در دانشکده کشاورزی رتبه کنکور از قدرت پیش بینی بالاتری برخوردار بود.

کلیدواژه ها: پیشرفت تحصیلی، معدل دیپلم، رتبه کنکور.

Title:The Relationship Between Diploma Average, National Entrance Exam(NEE) Ranks and Academic Achievement of Students in Guilan University.

Author: Karameh Saghebi Saeedi

ABSTRACT:

The purpose of this research is in order to study the relationship between diploma average, national entrance exam(NEE) ranks and academic achievement of guilan university's students.

The research population consisted of 3052 students(1858 women and 1194 men) entered during years 2001-2005 into university. By statistic analyzing the students' files in educational section (information section of this university), these information had been collected: gender, academic terms, diploma average, NEE grades, university total average and entrance quotas of students. The results of statistical analysis in the present study indicates that there is a meaningful and positive relevance between the university students' total averages(as the criterion variable), NEE grades and diploma average(as the expectancy variables) in the 99 presents confidence level is. The conclusion of regression analysis shows that in comparisis of all the above variables, NEE grades of communication and power is expected higher.The results of regression analysis in Guilan university departments indicate that in Literature and Humanities department and faculty of Natural Resource national entrance exam rank, and in the Physical Education, Science and Architectur departments diploma average have predicted in higher power. In Technical Engineering department and Agricultural faculty, both average of diploma variable and national entrance exam rank are able to predict academic achievement. In Technical Engineering department the diploma average and in the Agricultural faculty national entrance exam rank have predicted in higher power.

Keywords: academic achievement, diploma average, national entrance exam(NEE) ranks.



انسان ها همیشه و در همه حال در معرض ارزشیابی بوده اند و یادگیرندگان خصوصاً همواره تحت ارزشیابی پیشرفت قرار گرفته اند. از آن جایی که اهداف تعلیم و تربیت پیچیده تر شده و تعداد یادگیرندگان به نحو چشمگیری افزایش یافته، ارزشیابی نیز مشکل تر شده است. معلمان همواره در پی کسب آگاهی نسبت به میزان یادگیری دانش آموزان خود بوده اند. نظام آموزشی نیز که مدرسین را استخدام می نماید و برخی از دانش آموزان را پس از اتمام تحصیل به کار می گیرد علاقمند به داشتن اطلاعاتی در مورد توانایی های یادگیرندگان (دانش آموزان) می باشد. از اینرو ضرورت ارزشیابی صحیح بر تمامی افراد دست اندرکار آموزش آشکار است. در این خصوص از آنجائی که آموزش و ارزشیابی به گونه ای به یکدیگر مرتبط می باشد، عملاً کار در یک زمینه بدون در نظر گرفتن دیگری غیر ممکن خواهد بود (قربانی نژاد، ۱۳۸۰).

آموزش و پرورش و آموزش عالی به عنوان دو نهاد مهم و حیاتی در کشور ما نقش جابه جایی ارزش ها و انتقال فرهنگ، پرورش انسان های ماهر و متخصص و سوق دادن جامعه به سوی توانمندی و خودکفایی را بر عهده دارند. حضور نیروهای آموزش دیده در عرصه های مختلف جامعه، رشد و تکنولوژی را سرعت و سلامت می بخشد. تداوم آموزش و صحت زیرساخت آن منجر به ایجاد جریان پویا و حرکت موازی با دانش، همگامی با زمان و پیشرفت های جهانی می شود. بنابراین آموزش، پایه و اساس کلیه امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی محسوب می گردد (شریفیان، ۱۳۸۰). ورود به دانشگاه یکی از مهم ترین فرازهای زندگی در مسیر تحول بهنجار انسان است. پشت سر گذاشتن تجربه تحصیل در مقاطع تحصیلی قبل از دانشگاه و موفقیت در رقابتی چالش انگیز و قرار گرفتن در مقام و منزلت دانشجویی به خودی خود بسیار خوشایند و افتخار آمیز و لذت بخش است. بنابراین ورود به دانشگاه تغییری مهم در زندگی هر نوجوانی است، زیرا بسیاری از فعالیت های دانش آموز در دوران دبیرستان معطوف به قبول شدن در دانشگاه است (نوری قاسم آبادی، ۱۳۸۶). آموزش متوسطه یکی از حلقه های زنجیره آموزشی است که آموزش عمومی را به آموزش عالی پیوند می زند. نارسایی این مقطع مستقیماً در عملکرد و کیفیت حلقه بعدی تأثیر می گذارد (ابراهیمی، ۱۳۷۷). در نتیجه بررسی کیفیت ارتباط حلقه های آموزشی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۱-۱ بیان مسئله

بدون تردید نظام آموزش و پرورش یکی از عناصر اساسی تکوین و توسعه، عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه است. آموزش و پرورش نقش مهمی در تربیت افراد متخصص و اشتغال آن ها به مشاغل اجتماعی ایفا می کند. نمره افراد در مدارس، طول مدت تحصیل و ماهیت رشته تحصیلی در تعیین درآمد و منزلت اجتماعی آینده آن ها تأثیر بسزایی دارند. بنابراین آموزش و پرورش رسمی، سهم مهمی در تسهیل تحرک اجتماعی افراد بر عهده دارد (علاقمند، ۱۳۷۲؛ به نقل از

دشتی، ۱۳۷۹). در بین دوره های تحصیلی، دوره متوسطه به سبب وضع زیستی، اجتماعی و روانی دانش آموزان و همچنین به جهت تأثیر گذاری تصمیم این دوره سنی در تمام عرصه های زندگی از اهمیت ویژه ای برخوردار است (مهاجر، ۱۳۸۵). امروزه که تعداد مشتاقان آموزش دانشگاهی زیاد است، تحصیل در دبیرستان دیگر نمی تواند مانند گذشته غرور آفرین باشد. در نتیجه دبیرستان به عنوان یک مرحله گذار برای ورود به دانشگاه تلقی می شود (دشتی، ۱۳۷۹). در پس مطرح شدن مفهوم سرمایه انسانی، موضوع آموزش عالی به صورت یکی از مهمترین مسائل کشورها درآمده است. بر همین اساس ورود به آموزش عالی و شیوه بهره مند شدن از این آموزش ها (با توجه به بالا بودن هزینه آن) به عنوان یک پدیده مهم مطرح است (نورشاهی، ۱۳۷۸). آموزش عالی در زمینه توسعه اجتماعی و منابع انسانی و تربیت افراد کاردان نقش عمده ای دارد (شریفیان، ۱۳۸۰).

کنکور سراسری ورود به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به عنوان یک حادثه مهم و تعیین کننده در زندگی می تواند عوارض روانی اجتماعی عمده ای بر روی افراد داشته باشد. هر ساله جمعیت رو به افزایشی از جوانان جامعه به امید موفقیت و داشتن آینده ای بهتر در این آزمون شرکت می کنند، موفقیت یا شکست در این آزمون نیز همانند همه موفقیت ها یا شکست های مهم زندگی اثر مستقیم بر ادراک فرد از خود می گذارد (عرب، ۱۳۷۳). برای خیل عظیمی از نیروی جوان، کنکور چون سدی نفوذناپذیر محسوب می شود که گذر از آن نیاز به سپری ساختن دوران آموزشی متوسطه دارد. ابراهیمی (۱۳۷۷) عقیده دارد کنکور فعلی صرفاً به گسترش کمی آموزش عالی توجه دارد و از این جهت به نظام آموزشی لطمه می زند، زیرا دانش آموزان به دلیل تلاش گسترده برای قبولی در دانشگاه به صورت افرادی خسته، بی میل و کم علاقه به مسائل علمی وارد مراکز آموزش عالی و دانشگاه می شوند. امروزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به عنوان یک شاخص مهم برای ارزیابی نظام های آموزشی مورد توجه قرار می گیرد. علاوه بر این، پیشرفت تحصیلی همواره برای معلم ها، دانش آموزان، دانشجویان، والدین، نظریه پردازان و صاحب نظران تربیتی نیز دارای اهمیت است. برای مثال پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان یکی از مهم ترین ملاک های ارزیابی عملکرد معلمان محسوب می شود. برای دانش آموزان و دانشجویان نیز معدل تحصیلی معرف توانایی های علمی آن ها برای ورود به دنیای کار و مقاطع تحصیلی بالاتر است. به همین دلیل صاحب نظران مسائل تربیتی بسیاری از پژوهش های خود را بر شناخت عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی متمرکز کرده اند (حجازی، رستگار، غلامعلی لواسانی و قربانی جهرمی، ۱۳۸۸).

روا، مولی و ساکس^۱ (۲۰۰۰) پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را به تعدادی از پیامدهای رفتاری - روانشناختی و اجتماعی مرتبط دانسته و دریافتند کودکان و نوجوانان دارای عملکرد علمی خوب به تجارب مدرسه ای مثبت مانند پرورش شایستگی

1 . Roa, Moely& Sachs

مدرسه ای و عکس العمل روانشناختی گرایش دارند و شایستگی اجتماعی و شرکت در رفتار اجتماعی را توسعه می بخشند، این ها پیامدهای مثبتی هستند که موجب و بهبود یادگیری دانش آموزان و ارتقاء بهداشت روانی آنان موجب می شوند و در مقابل شکست تحصیلی با غفلت دانش آموزان بارفتار ضد اجتماعی آنان ارتباط دارد. بلوم^۱ (۱۹۱۳)، ترجمه سیف، (۱۳۶۳) در کتاب ویژگی های آدمی و یادگیری به پژوهش های برخی از دانشمندان اشاره کرده و نتیجه گرفته است که بخش عمده ای از پیشرفت تحصیلی ناشی از تفاوت های محیط خانوادگی است. علاوه بر آن در شرایط مناسب آموزشی، تفاوت های فردی در امر یادگیری بسیار کم است اما در شرایط نامناسب آموزشی تفاوت های فردی در یادگیری به حداکثر می رسد. بسیاری از پژوهش های انجام شده رابطه مثبتی را بین پیشرفت تحصیلی دوره دبیرستان و عملکرد علمی دانشگاهی در اولین سال تحصیلی یافته اند (کلارک و سویینی^۲، ۱۹۸۵؛ دوران^۳ و همکاران، ۱۹۹۱ اسکو و فالی^۴، ۱۹۹۸، اینگرام و پترسون^۵، ۱۹۸۷؛ به نقل از بیرنه^۶، ۲۰۰۸).

داف^۷، بویل^۸، دانلیوی^۹ و فرگوسن^{۱۰} (۲۰۰۴) در پژوهشی با دانشجویان اسکاتلندی روابط سن- شخصیت، روش های یادگیری، جنسیت و آزمون نهایی دوره دبیرستان را با پیشرفت تحصیلی دانشجویان بررسی کردند. در شیوه کار آن ها متغیرهای سن، نمره آزمون نهایی دبیرستان، جنسیت و شخصیت دانشجویان به منزله متغیرهای مستقل، روش های یادگیری و محتوای یادگیری به منزله متغیرهای میانجی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. آن ها نشان دادند که سن، آزمون دوره دبیرستان و وظیفه شناسی به عنوان یک مؤلفه شخصیتی رابطه معنی داری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دارد.

-
- | | |
|-----------------------|--------------------|
| 1. Bloom | 2. Clark & Sweenwy |
| 3. Doran | 4. Skew & Faley |
| 5. Ingram & Petterson | 6. Byrne |
| 7. Duff | 8. Boyle |
| 9. Dunleavy | 10. Fergusen |

اینکه چه عواملی بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانشجویان تأثیر می گذارد و یا سهم هر عامل چه اندازه است، همواره از حیطه های مورد علاقه پژوهشگران تربیتی و حتی روانشناسان تربیتی بوده است. مطمئناً مجموعه ای از عوامل فردی و محیطی یا عوامل شناختی و غیر شناختی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان تأثیر می گذارد. البته در هیچ پژوهشی امکان جمع آوری و تحلیل همه این متغیرها در کنار هم وجود ندارد. متغیر پیشرفت تحصیلی چند بعدی است و از عوامل متعدد و پرشماری تأثیر می پذیرد. گسترش پژوهش ها و یافته های حاصل از آن ها در سطح آموزش عالی هرگونه تفکر مبتنی بر ساده انگاری برای تعیین پیشرفت تحصیلی را منع کرده و اجرای پروژه های پژوهشی جدید را توجیه می کند (هومن، ۱۳۶۶).

۱-۲ ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش

با توجه به رشد روز افزون علم و فن آوری و علاقه مندی افراد برای ادامه تحصیل در رشته های دانشگاهی و کسب موفقیت های علمی، هر ساله بر تعداد شرکت کنندگان در آزمون کنکور سراسری افزوده می شود. این امر رقابت شرکت کنندگان را با یکدیگر افزایش داده و موجب نگرانی و اضطراب از آزمون کنکور را برای داوطلبان فراهم می آورد.

در کشور ما هر ساله نتیجه تلاش دوازده ساله جوانان طی آزمون ورودی دانشگاه ها در طول حدود چهار ساعت مشخص می شود و با وجود مشکلات زیادی نظیر ظرفیت محدود پذیرش دانشگاه ها، تنیدگی دانش آموزان و اولیای آنان، مشکل بیکاری و مشکل اقتصادی، شمار مشتاقان ورود به دانشگاه روز به روز در حال افزایش می باشد و این خود نشان دهنده عطش فراوان دانش آموزان به فراگیری علم و دانش است (پاک نژاد و عابدینی، ۱۳۸۴). از آنجائی که قبولی در کنکور سراسری پایه ی توسعه فردی و اجتماعی است، هرگونه تسامح و سهل انگاری در فرآیند ایجاد امکانات و فرصت های برابر برای دانش آموزان، پیامدهای جبران ناپذیری برای فرد و جامعه به بار می آورد زیرا جامعه برای پیشرفت و توسعه خود نیازمند پرورش جوانان و نوجوانان با استعداد اما ناشناخته است که ممکن است بعد از شکست در کنکور به سوی کارهای خدماتی غیر مفید و غیر تولیدی جذب شوند (دستی، ۱۳۷۹). به همین دلیل بررسی و مقایسه ارتباط بین موفقیت تحصیلی در دانشگاه با وضعیت تحصیلی دوره دبیرستان و رتبه کنکور ضروری به نظر می رسد.

۱-۳ اهداف پژوهش

هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه بین معدل دیپلم (معدل کل سال سوم دبیرستان) و رتبه های آزمون ورودی دانشگاه ها با پیشرفت تحصیلی در دانشگاه می باشد تا بتوان بر این اساس تعیین کرد کدام یک از عوامل (معدل دیپلم یا رتبه کنکور) پیشرفت تحصیلی در دانشگاه را بهتر پیش بینی می کند. پژوهش حاضر در پی یافتن راهکاری است که بر اساس آن

بتواند هم اهمیت تحصیل دوران دبیرستان را برای نوجوانان افزایش دهد و هم نقش و سهم امتحان ورودی کنکور را در این بین واضح و روشن گرداند تا اهمیت تحصیلات پایه ای دوران دبیرستان برای نوجوانان افزایش یافته و بتوانند با موفقیت آزمون کنکور را پشت سر بگذرانند و به کسب موفقیت های تحصیلی بیشتری در دانشگاه نائل گردند. همچنین نتایج این پژوهش می تواند در اختیار سیاست گذاران و برنامه ریزان آموزش و پرورش و آموزش عالی قرار گیرد تا در جهت رشد استعداد ها و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان سیاست های تعدیل کننده تدارک ببینند و زمینه مناسب در جهت پیشرفت تحصیلی ایجاد کنند.

۱-۴-۴ سؤال های پژوهش

در ادامه این بخش سؤال های اصلی و فرعی پژوهش بررسی خواهد شد.

۱-۴-۱ سؤال های اصلی پژوهش:

۱ - آیا بین معدل دیپلم و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه وجود دارد؟

۲ - آیا بین رتبه کنکور و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه وجود دارد؟

۳ - آیا بین معدل دیپلم و رتبه کنکور دانشجویان رابطه وجود دارد؟

۴ - آیا از روی معدل دیپلم و رتبه کنکور می توان پیشرفت تحصیلی دانشجویان را پیش بینی کرد؟

۱-۴-۲ سؤال های فرعی پژوهش:

۱ - آیا ضریب همبستگی بین معدل دیپلم و رتبه های کنکور با پیشرفت تحصیلی دانشجویان (با توجه به جنسیت آن ها) تفاوت دارد؟

۲ - آیا ضریب همبستگی بین معدل دیپلم و رتبه های کنکور با پیشرفت تحصیلی دانشجویان (با توجه به نوع دوره تحصیلی آن ها) تفاوت دارد؟

۱-۵ متغیرهای پژوهش و تعاریف نظری و عملیاتی آن ها

۱-۵-۱ متغیرهای پیش بین

تعریف نظری معدل دیپلم: معدل دیپلم عبارت از میانگین کل نمره های دروس مختلف تحصیلی است که دانش آموزان با شرکت در امتحان های نهایی سال سوم دبیرستان کسب می کنند (سلیمانی، ۱۳۷۵).

تعریف عملیاتی معدل دیپلم: در پژوهش حاضر معدل دیپلم عبارت است از خارج قسمت مجموعه نمره های کلیه مواد درسی سال سوم دبیرستان به تعداد مواد درسی است که در کارنامه سال سوم درج شده و در فرم ثبت نام دانشجویان ورودی جدید به دانشگاه نوشته می شود.

تعریف نظری رتبه کنکور: رتبه کنکور عبارت از جایگاه داوطلبان تحصیل در دانشگاه ها در میان شرکت کنندگان گروه های مختلف آزمایشی در آزمون سراسری است (سلیمانی، ۱۳۷۵).

تعریف عملیاتی رتبه کنکور: در پژوهش حاضر رتبه کنکور عبارت از عددی است که براساس نتایج آزمون سراسری دانشگاه ها در مورد هر داوطلب (و در مقایسه با سایر داوطلبان) محاسبه و در کارنامه هریک درج می شود.

۱-۵-۲ متغیر ملاک

واژه پیشرفت یعنی تغییرات ایجاد شده در جهت مطلوب و مساعد. پیشرفت تحصیلی در آموزش و پرورش به ارتقاء تحصیلی از یک کلاس به کلاس بالاتر گفته می شود و پیشرفت تحصیلی به معنی درجه ای از موفقیت دانشجویان در رسیدن به اهداف آموزشی می باشد که جنبه هایی از آن قابل مشاهده و اندازه گیری است (شایان مهر، ۱۳۷۷).

تعریف نظری پیشرفت تحصیلی: پیشرفت تحصیلی فرایندی است که دانشجویان تحت این شرایط با حداکثر واحدهای گذرانده در مدت زمان تحصیل و با احتساب نیمسال های مرخصی به معدل های کل و به معدل های دروس تخصصی بالایی دست یابند و تعداد ترم های مشروطی حداقل در این دوره داشته باشند (ساعی، ۱۳۷۷).

تعریف عملیاتی پیشرفت تحصیلی: منظور از پیشرفت تحصیلی در پژوهش حاضر معدل کل (میانگین نمرات کلیه واحدهای درسی اخذ شده در دوره کارشناسی) دانشجویان است که در کارنامه تحصیلی هر یک از دانشجویان ثبت گردیده است.

۱-۵-۳ متغیرهای جمعیت شناختی و زمینه ای:

جنسیت: افراد شرکت کننده در آزمون از نظر جنسیت در دو گروه زنان یا مردان قرار دارند.

دوره های تحصیلی

دوره های روزانه: دوره های روزانه بدلیل کیفیت علمی، آموزش رایگان، امکانات رفاهی و تسهیلات آموزشی از موقعیت و مطلوبیت ویژه ای نزد داوطلبان و خانواده های آنان برخوردار است.

دوره های شبانه: در این دوره ها دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی هیچ تعهدی برای تأمین مسکن، خوابگاه ، وام تحصیلی و سایر امور رفاهی در قبال پذیرفته شدگان بر عهده نمی گیرند. تحصیل در این دوره ها با پرداخت شهریه امکان پذیر است .



فصل دو

مبانی نظری و پیشینه

پژوهش

از دیرباز مسئله ورود به دانشگاه و نظام ناکارآمد پذیرش دانشجو به وسیله کنکورهای ورودی مورد انتقاد شدید دست اندرکاران امور آموزش، جامعه و دلسوزان و آگاهان تعلیم و تربیت قرار داشته است. در واقع از سه دهه پیش در جامعه ایران، پذیرفته شدن در کنکور ورودی دانشگاه ها به صورت معضل اجتماعی، روانی و اقتصادی مطرح شده است. بویژه آنکه بررسی های انجام شده درباره کنکور و چگونگی رویارویی با مشکلات ناشی از آن، سطحی و شتاب زده بوده است. این امر موجب شده تا امروزه آزمون ورودی دانشگاه ها، ابعاد تازه ای به خود بگیرد، به گونه ای که همه از آن به عنوان امتحانی سرنوشت ساز یاد می کنند. کارشناسان امر عواملی چون جوان بودن جمعیت، گسترش فرهنگ مدرک گرایی، فاصله عمیق میان صاحبان مشاغل مختلف، برنامه ریزی های کوتاه مدت و بیکاری را از جمله عوامل اصلی کنکور زدگی در جامعه کنونی می دانند. آزمون کنکور، ذهن و فکر بسیاری از خانواده ها را (دست کم از زمان آغاز تحصیل فرزندان در مقطع متوسطه) به خود مشغول کرده و با معطوف شدن همه نگاه ها به درهای دانشگاه، بخش های دیگر جامعه بویژه در جریان برگزاری امتحان ها در حاشیه قرار گرفته است. افزایش اضطراب، استرس، افسردگی و کشمکش های خانوادگی ناشی از کنکور در نزد داوطلبان (از یک طرف) و سرخورده گی های حاصل از ناکامی در کنکور (از طرف دیگر) چنان انرژی و توانی را از جامعه گرفته است که بسیاری اعتقاد دارند باید در این زمینه طرحی نو پایه ریزی شود (قلی پور، شجاعی و شکوهی، ۱۳۸۵).

شکی نیست که بازنگری در روش های گزینش دانشجو با توجه به واقعیت های موجود در دوره های زمانی مختلف ضروری است اما تغییرات پیشنهادی باید گامی به جلو باشد و از اتخاذ تدابیر غیر ضروری (و گاهی مضر) جداً احتراز شود زیرا فلسفه گزینش دانشجو به صورت متمرکز و سراسری این است که بهترین استعدادها وارد دانشگاه شوند و این روش اگر با مشکلاتی مواجه است باید نسبت به حل آن ها اقدام کرد. البته نفس روش انتخاب دانشجو براساس معدل دوره دبیرستان که وعده آن داده شده، گزینه بسیار خوبی است اما در صورتی که شرایط اجرای آن در کشور ما مهیا باشد و آن هنگامی است که در مدارس ما ارزشیابی معلومات تحصیلی دانش آموزان بر اساس آزمون های استاندارد شده انجام شود و این امر نیز در صورتی صحیح است که فرصت های آموزشی برای دانش آموزان سراسر کشور یکسان باشد که البته هیچکس نمی تواند مدعی شود سطح آموزش رسمی و غیر رسمی دانش آموزان روستایی با کلان شهرها و مراکز استان ها تفاوتی ندارد. لذا به نظر می رسد نباید موضوع حذف کنکور را قبل از فراهم شدن زمینه های آن خیلی جدی گرفت اما برای افزایش انگیزه های تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی می توان نقش مثبت معدل دروس دبیرستان را با اختصاص ضربی رو به رشد لحاظ نمود (موسوی، ۱۳۷۷).